

مقدمه چاپ دوم

گفتگو با خواننده

کتاب حاضر که در پیش روی شما است بیان کننده عقاید و نظرات مرد و مردانی است که علیه ظلم و ستم و برای استقرار عدالت و تأمین رفاه در جامعه‌ای که بدان تعلق دارند قیام و اقدام کرده اند.

در نظر بود که مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته شود و مفاهیم آن که گاه توضیحاتی را طلب می‌کند، روشن گردد ولی به دو علت چنین نشد. نخست آنکه تعداد صفحات کتاب بسیار است و مطلبی جامع احتمالاً از حوصله خوانندگان خارج خواهد بود. دو دیگر آنکه امید بر این است که خوانندگان با معرفت و عنایت مخصوص، متن را مطالعه کرده، حدیث مفصل را از مجمل کتاب بخوانند.

آقای بازرگان در بخش اول کتاب سعی نموده تاریخ زنده و ملموسی از آنچه در نیم قرن اخیر بر دو نسل ایرانی رفته است بازگوید و سیر تکاملی عقاید و نظرات خود را به روشنی بیان دارد. در عین حال این کتاب گزارشگر حوادثی است که خصوصاً در بین سال‌های «۱۳۴۰ - ۱۳۲۰» اتفاق افتاده.

خدمات مردان بزرگ، احساسات بی‌شائبه مردم نسبت به آنها و خیانت‌های غیر قابل جبران وابستگان به راست و چپ و همکاری آنها به منظور در هم کوبیدن و تخطئه نهضت مقدس ملی، با ذکر موارد و ترسیم نوسانات زمان خود، زینت بخش صفحات بخش اول می‌باشد.

همچنین در این بخش بازرگان حجت را بر «دادرسان و دادستان» که در واقع نمایندگان ارتجاع و اسارت مردم‌اند و در زیر لوای «به هر گونه پستی و ذلت تن داده‌اند، با آرام‌ترین و منطقی‌ترین وجهی تمام می‌کند تا هیچ مجوز و بهانه‌ای چه شخصی و چه اجتماعی و اداری برای آنها و اربابان و همکاران دیگر آنها باقی نماند. آن‌طور که نقل شده، پایان بخش اول در حقیقت به علت جلوگیری دادگاه از ادامه دفاع است. علت آن بود که بت بزرگ که خود نوار سخنان بازرگان را می‌شنید بیش از آن تاب مقاومت نیاورده جلوگیری از دفاع را دستور داده بود. رئیس دادگاه برای بهانه‌جویی از آقای بازرگان سؤال می‌کند که:

«نظر قطعی شما در مورد قیام ۲۸ مرداد چیست؟»

در جواب بازرگان به حق می‌گوید:

«قیام فواحش بود»

و بدین صورت از ادامه دفاع جلوگیری می‌شود و رأی آماده شده قبلی صادر می‌گردد.

بدین لحاظ است که بخش دوم مدافعات به صورت نوشته به دادگاه ارائه می‌شود و چون مسلم بود آن مطالب هرگز از طریق دادگاه و روزنامه‌ها منعکس نخواهد شد، نسخی از آن به تماشایان داده می‌شود و از آن طریق بلافاصله به خارج ارسال می‌گردد. اکنون بیش از ۸ سال است که مطالب بخش دوم در دست ماست و به عللی که اهم آن قصور و تعلل خود ما است، انتشار نیافته و از این بابت در برابر مردانی که آنچنان، فکر کرده، سخن گفته و مبارزه کرده‌اند و هم در برابر ملت ایران، عذر تقصیر می‌خواهیم.

همان طوری که خوانندگان ملاحظه خواهند فرمود، بخش دوم در حقیقت گزارشی است از ۲۵۰۰ سال استبداد که آن را «رژیم شاهنشاهی» نام نهاده‌اند. بازرگان و یارانش در آن دادگاه، هم رژیم فعلی و هم ۲۵۰۰ سال استبداد و ظلم و ستم را، براساس عقاید خود، به محاکمه کشیدند و قضاوت درباره آن را به نسل حاضر و نسل‌های آینده سپردند. نسل حاضر چه زود و چه خوب قضاوت کرده و ضامن اجرای حکم را جان و اسلحه خویش و نابودی رژیم را وجهه همت خود قرار داده است.

ما خوشحالیم که مدافعان بازرگان و یارانش گرچه قدری دیر ولی درست مصادف با «جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی» که به روشنی نتیجه کامل و گویایی از ۲۵ قرن خیانت و استبداد است، انتشار می‌یابد. آری، در میان دریایی از فقر و مصیبت و در حالی که خشک‌سالی مزید بر علت شده و مردم فارس و کرمان و بلوچستان دسته دسته از گرسنگی می‌میرند و یا فرزندان خود را به فروش می‌رسانند، در فارس باید جشن به پا کرد و بر روی استخوان و خون آن مردم، خورد و نوشید و پای کوبی کرد و از ثروت خداداد آنها نیز هفت میلیارد تومان خرج نمود تا مفهوم واقعی شاهنشاهی را همگان احساس کنند.

بخش اول این کتاب یکبار منتشر شده است و ما اکنون به دلایل ذیل مجدداً به انتشار آن دست یازیده‌ایم.

الف: از نظر فنی آنچه منتشر شده ناخوانا و با اغلاط بسیار بوده است.

ب: نسخ آن نایاب گردیده و بسیاری از علاقه‌مندان تقاضای تجدید چاپ آن را کرده‌اند.

ج: بخش دوم در واقع کامل‌کننده و نتیجه‌گیری بخش اول است و بسیار به جا است که هر دو با هم یکجا چاپ و منتشر گردد.

این کتاب به نام «انتشارات مدرس» چاپ و منتشر می‌شود. سیدحسن مدرس یکی از درخشان‌ترین چهره‌های انقلابی تاریخ معاصر ایران بود که به علت فشار و خفقان ۵۰ ساله اخیر، هنوز حق او آن طور که باید و شاید ادا نشده و فرزندان این آب و خاک به قدر و اهمیت آن شهید بزرگوار آشنا نشده‌اند. اهداء این کتاب به مدرس بدان اعتبار است که او در رأس اقلیت مجلس پنجم، با سلطنت و دیکتاتوری پهلوی که بنا بر اعمال نفوذ سیاست انگلیس بر این مرز و بوم تحمیل می‌شد، مردانه قیام و مبارزه کرد و دست از ادامه مبارزه نیز برنداشت تا آنکه به دستور بیگانگان و به دست عمال رضاخان شربت شهادت نوشید.

دیگر آنکه این مدافعان در شرایط زندان تنظیم شده و همان طور که همگان می‌دانند هیچ‌گونه مدرک و منبعی در اختیار نویسندگان آن قرار نداشته است و اگر از این بابت بعضی آمار و تاریخ‌ها قدری پس و پیش به نظر آید نمی‌توان و نباید خرده گرفت. آنچه مهم است مفهوم کلی و مطالب اساسی متن از نظر نویسندگان و امانت ناشر در حفظ اصالت آن می‌باشد.

در ایامی که «رجال ملی» و گردانندگان جبهه ملی دوم (که به امر مصدق بزرگ از بین برده شد) از پشتیبانی و کمک به رادمردان نهضت آزادی ایران سر باز زده و با سکوت خود موجب تشدید محکومیت آنها شده بودند، مصدق در مقام رهبری ملت لحظه‌ای از احوال آنها غافل نبود و بر همین اساس متنی را که خوانندگان در اول این کتاب ملاحظه کرده‌اند در زیر یکی از عکس‌های خود نوشت و آن را به سران و فرزندان نهضت آزادی ایران اهدا کرد.

کسانی که به گفتار و نوشته‌های مصدق بزرگ آشنا هستند به خوبی می‌دانند که متن «تقدیم به کسانی که...» یکی از محکم‌ترین و غنی‌ترین متونی است که مصدق راجع به هر شخص یا جمعیتی عنوان کرده است. این خود بیان‌کننده میزان اعتماد و اطمینان و پشتیبانی آن رهبر بزرگ از دوستان و فرزندانش که «در راه استقلال و آزادی ایران» از هیچ‌گونه فداکاری مضایقه نکرده‌اند می‌باشد.

بودند کسانی که تصور می‌کردند این متن متعلق به آن رادمردان نبوده است و یا به علت بغضی که از آنها در دل داشتند و با مأموریتی که برای جدا ساختن رهبر از پیروان صدیق و فداکارش به عهده آنها محول شده بود، دست به تبلیغات زهرآگین و مشوّب نمودن اذهان عمومی زدند تا بلکه پیشوای خردمند، از تصمیم خود در پشتیبانی از یارانش

منصرف گردد. برای آنکه بدانند تا چه اندازه در این زمینه موفق شده‌اند عوامل خود را تحریک کردند که رسماً از مصدق بزرگ استفسار کنند که آیا آن متن متعلق به سران نهضت آزادی بوده و یا آنکه «آقایان رندی کرده» و آن متن را را به خود نسبت داده اند. در جواب آنها مصدق بزرگ نوشت که آن متن متعلق به آن رادمردان بوده و «می‌توانند آن را در زیر آن عکس یا هر عکس دیگری که بخواهند بگذارند». جالب آنکه مأمورین باز هم عبرت نگرفته و آن متن را به عناوین مختلف بدون ذکر منبع و مأخذ منتشر کردند. حال بنا بر وظیفه که در رعایت عدالت به عهده گرفته‌ایم آن را در زیر عکس جدیدی از پیشوای بزرگ نهضت ملی آورده و به ملت ایران تقدیم می‌کنیم.

با صراحت و افتخار می‌توان گفت که بعد از محاکمه مصدق بزرگ این اولین و مهم‌ترین باری بوده است که در دادگاه‌های شه‌ساخته، رژیم ایران به محاکمه کشیده و محکوم گردیده است «شب سیه» فرا رسیده و «نتایج سحر» نمودار گشته و بر ما است که با هم بکوشیم تا «صبح دولتش» نیز بدمد.

مهر ماه ۱۳۵۰

انتشارات مدرس